



The Relationship between Cultural Intelligence and Ethnocentrism; a Case Study of Malayer University Students

Jamshid Soruri

*Instructor of the Social Science Education,, Farhangian University, Tehran, Iran.
Rahbordinahad@yahoo.com

Hida Tavafi

Instructor of the Social science Education , Farhangian University, Tehran, Iran(corresponding author).
tavafi8997@gmail.com

Received: 2023/06/07

Accepted: 2023/09/23

DOI:

10.22034/jpcs.2022.1274753.1230



ABSTRACT

The current study was conducted to measure the level of cultural intelligence and determine its relationship with the level of ethnocentrism among students residing in the dormitories of Malayer University, including both governmental and self-governing dormitories. The research was carried out using a survey method and questionnaire technique. The statistical population included all non-native students residing in dormitories in 1401, with a sample size of 350 people selected using Cochran's formula through random sampling. The descriptive results of the research indicate the desirability of the research variables, especially the cultural intelligence variable and its dimensions, with students exhibiting a high average level (43.73) of cultural intelligence. Additionally, their level of ethnocentrism was estimated to be lower than the average level (56.49). The results of the correlation test illustrate a significant and inverse relationship between cultural intelligence (-0.50) and the level of ethnocentrism. Moreover, a significant correlation between the dimensions of cultural intelligence (cognitive, metacognitive, motivational, and behavioral) and ethnocentrism has been confirmed. The regression results indicate that, among the independent variables of cultural intelligence dimensions, behavioral cultural intelligence variables with a beta value of 0.29 and cognitive cultural intelligence with a beta value of 0.27 have contributed the most to the explanation of the dependent variable. Finally, the total variables included in the regression model have been able to explain 32.4% of the variance or changes in the level of ethnocentrism among the students.

Keywords: Cultural Intelligence, Ethnocentrism, Ethnicity, Culture.

► **Citation (Vancouver):** Soruri J, Tavafi H. The Relationship between Cultural Intelligence and Ethnocentrism; a Case Study of Malayer University Students. *Police Cultural Studies*, 2023; 10(4): 67-79.

► **Citation (APA):** Tavafi, J, Tavafi, H., (2023) The Relationship between Cultural Intelligence and Ethnocentrism; a Case Study of Malayer University Students. *Police Cultural Studies*, 10(2), 67-79.

رابطه میزان هوش فرهنگی و قوم‌گرایی؛ مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه ملایر

چکیده

پژوهش پیش رو، باهدف سنجش میزان هوش فرهنگی و تشریح رابطه آن با میزان قوم‌گرایی در بین دانشجویان ساکن در خوابگاه‌های دانشگاه ملایر به‌روش پیمایشی و با بهره‌گیری از پرسشنامه انجام‌شده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برابر با ۳۵۰ نفر است و نمونه به‌شیوه نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. در این پژوهش، دانشجویان در سطح متوسط به بالا (۷۳/۴۳) از هوش فرهنگی برخوردار هستند. همچنین، میزان قوم‌گرایی آن‌ها پایین‌تر از سطح متوسط (۵۶/۴۹) به‌دست آمد. نتایج آزمون همبستگی، نشان از معنادار و معکوس‌بودن رابطه بین هوش فرهنگی (۰/۵۰-) و میزان قوم‌گرایی دارد. به‌علاوه، همبستگی معناداری میان ابعاد هوش فرهنگی (شناختی، فراشناختی، انگیزشی و رفتاری) با قوم‌گرایی تأیید گردید. علاوه‌بر این، نتایج رگرسیونی حاکی از آن است که از بین متغیرهای مستقل ابعاد هوش فرهنگی، متغیرهای هوش فرهنگی رفتاری با مقدار بتای ۰/۲۹ و هوش فرهنگی شناختی با مقدار بتای ۰/۲۷، بیشترین سهم را در تبیین متغیر وابسته داشته‌اند. درنهایت، مجموع متغیرهای واردشده در الگوی رگرسیونی توانسته‌اند که ۳۲/۴ درصد از واریانس و یا تغییرات میزان قوم‌گرایی دانشجویان را تبیین کنند.

کلیدواژه‌ها: هوش فرهنگی، قوم‌گرایی، قومیت، فرهنگ.

نوع مقاله: پژوهشی

صص: ۶۷-۷۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۱

شناسه دیجیتال (DOI):

10.22034/jpcs.2023.12747553.1230

◀ **استناد (ونکوور):** سروری، ج، طوافی، ه. رابطه میزان هوش فرهنگی و قوم‌گرایی؛ مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه ملایر، مطالعات فرهنگی پلیس، ۱۴۰۲؛ ۱۰(۳): ۶۷-۷۹.

◀ **استناد (APA):** سروری، ج، طوافی، ه. (۱۴۰۲). رابطه میزان هوش فرهنگی و قوم‌گرایی؛ مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه ملایر. *مطالعات فرهنگی پلیس*، ۱۰(۳)، ۶۷-۷۹.

قوم‌گرایی^۱ به دیدگاه‌ها و شیوه‌های عمل فرهنگی اطلاق می‌شود که اجتماع معینی از مردم را از هم متمایز می‌کند (گیدنز^۲، ۱۳۷۴: ۲۶۰). در واقع، نوعی هویت قومی است که از طریق زمینه‌های بیرونی و درونی اجتماع ساخته می‌شود. به‌طور کلی، قوم‌گرایی به حس تعلق به گروه، با ویژگی‌هایی همچون خاستگاه، تاریخ، فرهنگ، زبان، تجربه و ارزش‌های مشترک اطلاق می‌شود. از این‌رو، قوم‌گرایی پدیده‌ای اجتماعی و چندبعدی است که ممکن است آثار اجتماعی مثبت یا منفی داشته باشد. احساس تعلق به قوم خودش منفی نیست و چه‌بسا آثار مثبتی نیز داشته باشد. قوم‌گرایی در معنای تعلق مثبت به قوم با عام‌گرایی منافاتی ندارد. باین‌حال، وجهی منفی نیز دارد و آن تمایل خاص‌گراست که در آن اعضای یک گروه قومی حیات اجتماعی خود را در تقابل یا حتی تخاصم با گروه‌های دیگر می‌بینند (صادقی و همکاران، ۱۳۹۷: ۸۲).

در کل، کشوری در جهان وجود ندارد که با یکی از وجوه مسائل قومی مواجه نباشد. ایران نیز از دیرباز محل سکونت اقوام متعدد با تفاوت‌های فرهنگی، زبانی و مذهبی بوده است، اما این هم‌زیستی همواره مسالمت‌آمیز نبوده و اقوام گاهی اوقات با مشکلاتی در نحوه برقراری ارتباط با یک‌دیگر و با نظام سیاسی، در طرح خواسته‌های گوناگون خود و روش‌های دستیابی به آن‌ها مواجه بوده‌اند. در نتیجه، خواسته یا ناخواسته مقدمات بروز مسائلی در سطوح خرد (مسائل مربوط به بروز بحران بی‌اعتمادی و بحران هویت و برقراری ارتباط و سازگاری فرهنگی با دیگر خرده‌فرهنگ‌ها) و کلان (مسائل مربوط به هویت ملی، تهدید امنیت اجتماعی، انسجام ملی و وحدت و یکپارچگی نظام) فراهم شده است (عابدینی و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۳).

در هر فرهنگی، درجه خاصی از قوم‌گرایی اعضا برای توسعه درون‌گروهی، غرور ملی و میهن‌پرستی وجود دارد (نئولپ و کروسکی، ۱۹۹۷: ۳۸۶).

تقویت بقا، هم‌بستگی، انطباق، مشارکت و وفاداری درون گروه ضروری است، اما مشکل از جایی پدیدار می‌شود که ممکن است قوم‌گرایی تا سطح خاصی رشد کند که مانعی در برابر ارتباط مؤثر بین افرادی با فرهنگ‌های مختلف شود. به‌نظر می‌رسد که درک درست از فرهنگ خود و دیگران، تشخیص تفاوت‌ها، نگرستن بدون تعصب به تفاوت‌ها، احترام به آن‌ها و هماهنگی با الگوهای ارتباطات فرهنگی می‌تواند در ایجاد و گسترش ارتباطات کارآمد میان افرادی با پیشینه فرهنگی متفاوت مؤثر واقع شوند، در مقابل کاهش رابطه بین قومی خود باعث تشدید پیش‌داوری و قوم‌مداری می‌شود (یوسفی و اصغرپور، ۱۳۸۸: ۱۳۹).

یکی از مفاهیم نوینی که می‌تواند چارچوبی تحلیلی را در پدیدآوردن ارتباطات افراد با پیشینه فرهنگی متفاوت در اختیار لندی‌شمندان و پژوهشگران قرار دهد، مفهوم هوش فرهنگی^۳ است. هوش فرهنگی، توانایی و قابلیت افراد برای برخورد مؤثر با موقعیت‌های دارای تنوع فرهنگی تعریف شده است و دارای چهار بعد رفتاری، انگیزشی، شناختی و فراشناختی است (انگ، ونداین و کوه^۴، ۲۰۰۶). هوش فرهنگی اولین بار به‌طور رسمی به‌وسیله بیکریستوفرارلی^۵، مدرس و استاد رفتار سازمانی در مدرسه کسب و کار لندن، در سال ۲۰۰۳ مطرح شد (یوسف‌زاده، ۱۵: ۱۴۰۰). در واقع، هوش فرهنگی به توانایی درگیر شدن و قابلیت استفاده از مجموعه‌ای از مهارت‌ها، همانند مهارت‌های زبانی و مهارت‌های بین‌فردی و برخورداری از ویژگی‌هایی از قبیل تحمل ابهام و انعطاف‌پذیری اشاره دارد که به‌طور شایسته‌ای مبتنی بر ارزش‌ها و

در این حوزه مطالعاتی، پژوهش‌هایی انجام شده‌اند که به چند مورد به‌طور خلاصه اشاره می‌شود. میلوسی و شاهنوشی (۱۳۹۹)، اظهار می‌دارند که درحیطه اثرات قوم‌گرایی در نظام اداری از ترکیب ۳۲ متغیر، ۵ عامل کاهش عمل‌کرد کاری کارکنان، انحراف از اهداف سازمان، انحراف از عدالت و نابرابری، کاهش شایستگی گروهی و کاهش هوش فرهنگی، مجموعاً ۶۲/۱۲ درصد از واریانس کل را می‌توان تبیین نمود. به‌علاوه، عابدینی و همکاران (۱۳۹۵) به این نتیجه رسیده‌اند که تمامی مؤلفه‌های هوش فرهنگی (شناختی، انگیزشی، رفتاری و فراشناختی) تأثیر معناداری بر قوم‌گرایی دارند و میانگین قوم‌گرایی جوانان مورد بررسی برحسب جنسیت آنان متفاوت ارزیابی شده است. به همین صورت، هوش فرهنگی رابطه مثبت و مستقیمی با سازگاری فرهنگی دانشجویان دارد؛ درواقع، می‌تواند تاب‌آوری روانی دانشجویان را بهبود ببخشد (چو و ژو^۵، ۲۰۲۳). مظهر و جاوید اقبال (۲۰۲۲) بینش قابل توجهی در مورد سبک‌های مدیریت تعارض ترجیح داده شده به وسیله کارگران چینی و پاکستانی و چگونگی تأثیر قوم‌گرایی بر این انتخاب‌ها ارائه می‌دهد. گاماندستور^۶ (۲۰۱۵) نیز تأثیر چهارگانه هوش فرهنگی در سازگاری مهاجران شمالی به‌خصوص تأثیر دو عامل فراشناختی و احساسی بر روی سازگاری مهاجران را روشن کردند. سللداتوف و گی^۷ (۲۰۱۳) نوع جدیدی از هویت را معرفی می‌کنند که ترکیبی از هویت‌های قومی فرهنگی محلی و هویت جهانی است و با نظریه هوش فرهنگی که ابزاری محتمل برای دستیابی به چنین هویت‌هایی است، ارتباط دارند. علاوه بر این، تسای و لاورنس^۷ (۲۰۱۱) و ایچن^۸ (۲۰۰۹) اظهار می‌دارند که میزان هوش فرهنگی بر سازگاری فرهنگی مؤثر است و نشان دادند که از طریق هوش فرهنگی می‌توان سازگاری بین‌فرهنگی را پیش‌بینی کرد و مدارا، مستلزم برقراری ارتباط و هم‌زیستی

نگرش‌های فرهنگی افراد در تعامل با دیگران است (لوپز مورفی^۱، ۲۰۱۳). درحقیقت، هوش فرهنگی، مهم‌ترین و ضروری‌ترین هوش برای زندگی در قرن بیست و یکم و محیط‌های ناشناخته و متنوع فرهنگی است. این نوع هوش، خودکارآمدی بین فرهنگی و قابلیت انعطاف‌پذیری افراد را افزایش می‌دهد (واوروز و یوراسیک^۲، ۲۰۲۱).

در این راستا، ارتباطات درون سازمان (مانند دانشگاه) یک ضرورت است، زیرا با برقراری ارتباطات، تمام تلاش‌هایی که برای تحقق برنامه کاری انجام می‌شود، مطابق با اهداف آن سازمان قابل دستیابی هستند (سوکراسو و المی^۳، ۲۰۲۱). یکی از موضوعات مورد توجه مسئولین دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی و مخصوصاً امور خوابگاه‌ها این مهم است که چگونه بتوانند افراد مختلف با پیشینه‌های فرهنگی متفاوت را در کنار هم قرار دهند. محیط‌های آموزشی و خوابگاهی امروز، نیاز به افرادی دارند که به فرهنگ‌های مختلف آشنا باشند و بتوانند با افراد سایر فرهنگ‌ها ارتباط مناسب برقرار کنند. برای این منظور، افراد نیاز به هوش فرهنگی دارند. توانایی فرد برای تطبیق با ارزش‌ها، سنت‌ها و آداب و رسوم متفاوت از آن چه به آن‌ها عادت کرده است و زندگی کردن در یک محیط متفاوت فرهنگی، معرف هوش فرهنگی است. دانشگاه در ایران، بستری برای مواجهه هویت‌های قومی است. هم‌نشینی اقوام مختلف در کنار معانی جاری در فرهنگ عامه مسلط و رسمی از اقوام، زوایای تیز هویت‌ها را به چشم می‌آورد و با توجه به فضای انتقادی دانشجویی، دانشگاه زمینه‌ای مناسب برای احراز و ابراز مواضع و مطالبات قومی فراهم می‌آورد. از آن‌جا که قوم‌گرایی براساس زمینه فرهنگی فرد مشخص می‌شود و ارتباطات بین فرهنگی نیازمند آگاهی، هوشیاری، و سازگاری بالاتری است، متغیری همچون هوش فرهنگی برای عمل‌کرد بهتر و مؤثرتر در چنین اوضاعی برای تأمین آرامش ذهنی، رشد روان‌شناختی و فرهنگی دانشجویان ضروری به‌نظر می‌رسد.

5- Gamandsteuer
6- Soldatov and Gayra
7- Tsai and Lawrence
8- ichen

1- Lopes-Murphy
2- Wawrosz, & Jurásek
3- Sukrasno & Elmi
4- Chu & Zhu

براساس پرسش‌های جمعیت‌شناختی و زمینه‌ای گردآوری شده‌اند.

سنجش پرسش‌های پرسشنامه براساس طیف لیکرت بوده و مرکب از ۴۲ پرسش است پس از تکمیل پرسشنامه در یک نمونه ۳۰ نفری اقدام به احتساب ضریب آلفای کرونباخ مقیاس پرسشنامه گردید و گویه‌های نامناسب حذف و مجدداً محاسبه صورت گرفت. یافته‌های پاسخ-گویان براساس آمار توصیفی و استنباطی و با به‌کارگیری از نرم‌افزار spss26 و با استفاده از آماره‌هایی، همچون رگرسیون، ضریب پیرسون، آزمون t و تحلیل مسیر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

به‌منظور تعیین اعتبار پرسشنامه مورد استفاده (سنجش روایی) از روش سنجش محتوایی CVR (ضریب لاوشه) استفاده شد و پرسشنامه در اختیار ۸ نفر از متخصصان و اعضای هیأت علمی رشته‌های مختلف (علوم اجتماعی، روان‌شناسی، برنامه‌ریزی شهری و ...) دانشگاه ملایر و دانشگاه بوعلی‌سینا قرار گرفت و میزان روایی پرسشنامه برابر با ۰/۷۹ به‌دست آمد. مطابق جدول لاوشه حداقل روایی لازم از منظر ۸ متخصص، ۰/۷۵ است. به این ترتیب پرسشنامه پژوهش روایی لازم را برخوردار است. نتیجه آزمون بارتلت نیز در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنی‌دار بود که نشان از این دارد که ماتریس همبستگی بین گویه‌ها همانی و واحد نیست، از یک طرف بین گویه‌های داخل هر عامل همبستگی متوسط و خوبی وجود دارد و از طرف دیگر، بین گویه‌های یک عامل با گویه‌های عامل دیگر هیچ‌گونه همبستگی مشاهده نمی‌شود که نشان از اعتبار این سازه‌ها در پژوهش دارد. میزان آلفای کرونباخ هر یک از متغیرهای پژوهش در جدول (۱) آمده است:

مسالمت‌آمیز و دوری از تعصبات است (وان دورم ، ۲۰۱۴: ۹۱۸).

با وجود اهمیت موضوع به‌ویژه در میان قشر دانشجوی، در اغلب پژوهش‌ها قشر دانشجوی و جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی هوش کم‌تر مورد بررسی قرار گرفته است. به‌علاوه، در حوزه تأثیرات هوش فرهنگی بر تطابق و ارتباطات میان فرهنگی و عمل‌کرد دانشجویان، برخی ناسازگاری‌هایی مشاهده می‌شود که نیازمند بررسی و پژوهش‌های بیشتری در این حوزه است. از این رو، پژوهش حاضر درصدد سنجش میزان هوش فرهنگی دانشجویان خوابگاهی دانشگاه ملی ملایر و در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که «آیا میزان هوش فرهنگی، با میزان قوم-گرایی دانشجویان ارتباط دارد؟»

روش پژوهش

در این پژوهش، از روش پیمایشی^۱ و از نوع کاربردی استفاده شده است. جامعه آماری، شامل کلیه دانشجویان (دختر و پسر) خوابگاهی (دولتی و خودگردان) دانشگاه ملی ملایر است. تعداد کل افراد جامعه مورد مطالعه، ۴۰۰۰ نفر بوده و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران برابر با ۳۵۰ نفر به‌دست آمد. در این پژوهش، از روش نمونه‌گیری تصادفی استفاده شده است. در واقع، با توجه به تعداد نمونه و جمعیت خوابگاه‌ها به‌صورت تصادفی تعدادی از افراد به‌عنوان جمعیت نمونه از خوابگاه‌های مختلف شهر در دو منطقه موجود شهری انتخاب گردیده و اطلاعات مورد نیاز از آن‌ها با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری شده است. به همین صورت، به‌منظور سنجش میزان هوش فرهنگی از پرسشنامه استاندارد شده انگ و داین (۲۰۰۸) که در قالب ۲۰ پرسش و در ۴ بعد به سنجش میزان هوش فرهنگی می‌پردازد، استفاده شده است. همچنین، برای سنجش قوم‌گرایی از پرسشنامه استاندارد نئولپ و مک کروسکی (۱۹۹۷) در ۲۰ گویه بهره گرفته شد. سایر اطلاعات

جدول ۱- مقادیر آلفای کرونباخ قوم‌گرایی و هوش فرهنگی و ابعاد آن

مقدار آلفا	تعداد گویه‌ها	متغیرها
۰/۸۷	۲۲	قوم‌گرایی
۰/۸۸	۶	بعد شناختی هوش فرهنگی
۰/۷۸	۴	بعد فراشناختی هوش فرهنگی
۰/۷۹	۴	بعد انگیزشی هوش فرهنگی
۰/۹۰	۶	بعد رفتاری هوش فرهنگی
۰/۸۵	۲۰	هوش فرهنگی (کل)

یافته‌ها

در مقطع کارشناسی، ۳۴ درصد در مقطع کارشناسی ارشد و ۱۷ درصد در مقطع دکتری تحصیل می‌کردند. همچنین، نمونه مورد بررسی از نظر قومیت نیز مورد سنجش قرار گرفته‌اند که ۳۲ درصد (۱۱۱ نفر) آن‌ها لر، ۲۷/۴ درصد (۹۶ نفر) کرد، ۱۱/۴ درصد (۴۰ نفر) ترک و آذربایجانی، ۶/۳ درصد (۲۲ نفر) عرب، ۲۳/۱ درصد (۸۱ نفر) فارس بودند.

از ۳۵۰ نفر حجم نمونه پژوهش حاضر، ۵۲ درصد را دانشجویان دختر و ۴۸ درصد را دانشجویان پسر تشکیل دادند که از نظر سنی در محدوده سنی ۱۸ تا ۴۰ سال قرار داشتند. تمام حجم نمونه به هنگام جمع‌آوری داده‌ها در خوابگاه‌های دانشگاه ملایر ساکن و همگی از دانشجویان غیر بومی بودند. از نظر مقطع تحصیلی، ۴۹ درصد نمونه

جدول ۲- شاخص‌های آماری متغیرهای اصلی پژوهش

شاخص‌ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر
هوش فرهنگی	۳۵۰	۷۳/۴۳	۱۰/۰۶	۳۴	۱۰۵
قوم‌گرایی	۳۵۰	۵۶/۴۹	۹/۷۷	۲۷	۸۳

سنجش قوم‌گرایی با احتساب طیف امتیازها به هر گویه از ۱ تا ۵ (حداقل ۲۰ و حداکثر ۱۰۰)، امتیاز ۳ معادل ۶۰ امتیاز برای متغیر قوم‌گرایی نشانگر میزان متوسط آماری است. در نتیجه، امتیاز به‌دست‌آمده معادل ۵۶ برای دانشجویان ساکن در شهر ملایر، به معنای اهمیت آن‌ها به این بعد در سطحی پایین‌تر از حد متوسط است.

از آنجایی که سطح سنجش متغیرهای اصلی مورد بررسی فاصله‌ای بود، بنابراین، از آزمون همبستگی پیرسون برای رابطه دو متغیر و آزمون رگرسیون برای میزان تأثیر متغیرهای مستقل (هوش فرهنگی و ابعاد آن) بر روی متغیر وابسته قوم‌گرایی استفاده شده است. قبل از فرآیند آزمون

جدول فوق (شماره ۲)، شاخص‌های آماری متغیرهای هوش فرهنگی و قوم‌گرایی را نشان می‌دهد، میانگین متغیر هوش فرهنگی برابر با ۷۳/۴۳ با توجه به وجود ۲۲ گویه برای سنجش هوش فرهنگی با احتساب طیف امتیازها به هر گویه از ۱ تا ۵ (حداقل ۲۲ و حداکثر ۱۱۰)، امتیاز ۳ معادل ۶۶ امتیاز برای متغیر هوش فرهنگی نشانگر میزان متوسط آماری است. بنابراین، امتیاز به‌دست‌آمده معادل ۷۳/۴۳ برای دانشجویان ساکن در خوابگاه‌های شهر ملایر، به معنای برخورداری آن‌ها از هوش فرهنگی در سطحی بالاتر از حد متوسط است. همچنین، با توجه به میانگین متغیر قوم‌گرایی برابر با ۵۶/۴۹، با وجود ۲۰ گویه برای

مقدار آزمون کولموگروف-اسمیروف برای تطابق توزیع نمونه با توزیع نظری غیر معنادار بوده است. بنابراین، توزیع متغیرهای مورد نظر نرمال بوده است.

استنباطی فرضیه‌ها جهت اطمینان از نرمال بودن متغیرها اقدام به احتساب آزمون کولموگروف-اسمیرف شده است. در جدول زیر، نتایج این آزمون آورده شده است.

جدول ۳- آزمون توزیع نرمال داده‌ها (K-S)

متغیرها	K-S	Sig
هوش فرهنگی	۱/۳۲	۰/۰۶ نرمال
قوم‌گرایی	۱/۰۸	۰/۱۹ نرمال

جدول ۴- ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای اصلی پژوهش

متغیر مستقل	متغیر وابسته	شدت رابطه	سطح معناداری	نوع آزمون	نتیجه آزمون	معناداری رابطه
میزان هوش فرهنگی	میزان قوم‌گرایی	-۰/۵۰	۰/۰۰۰	پیرسون	تأیید	معنادار

جدول فوق میزان و شدت رابطه میان متغیرهای هوش فرهنگی و قوم‌گرایی را نشان می‌دهد. به این معنا که بین میزان هوش فرهنگی و میزان قوم‌گرایی رابطه وجود دارد. میزان همبستگی بین دو متغیر با سطح معناداری ۰/۰۰۰ و شدت رابطه -۰/۵۰- نشان‌دهنده رابطه معنادار و معکوس

بین دو متغیر است. با بالارفتن میزان هوش فرهنگی افراد، از میزان قوم‌گرایی آن‌ها کاسته می‌شود. به این صورت که تغییرات در متغیرهای مستقل هوش فرهنگی باعث ایجاد نوسان در متغیر وابسته قوم‌گرایی خواهد شد.

جدول ۵- ضریب همبستگی پیرسون بین مؤلفه‌های هوش فرهنگی و میزان قوم‌گرایی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	شدت رابطه	سطح معناداری	نوع آزمون	معناداری رابطه
بعد شناختی هوش فرهنگی	میزان قوم‌گرایی	-۰/۲۹	۰/۰۰۰	معنادار	معنادار
بعد فراشناختی هوش فرهنگی	میزان قوم‌گرایی	۰/۱۹	۰/۰۰۱	معنادار	معنادار
بعد انگیزشی هوش فرهنگی	میزان قوم‌گرایی	-۰/۳۶	۰/۰۰۰۱	پیرسون	معنادار

با توجه به جدول بالا، هرکدام از مؤلفه‌های هوش فرهنگی با متغیر میزان قوم‌گرایی رابطه معنادار و در سه بعد معکوس را با شدت مختلف داشته‌اند. یعنی، تغییرات در متغیرهای مستقل باعث ایجاد نوسان در متغیر وابسته میزان قوم‌گرایی می‌شود. براساس نتایج آزمون ضریب همبستگی و با عنایت به سطح معناداری می‌توان اظهار داشت که بین هر چهار بعد هوش فرهنگی، پاسخ‌گویان براساس ضرایب همبستگی پیرسون، به ترتیب معادل، -۰/۲۹-، ۰/۱۹، -۰/۳۶-، ۰/۴۱- با میزان قوم‌گرایی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد.

وجود چنین ضرایبی بین ابعاد متغیر هوش فرهنگی با قوم‌گرایی بیانگر این است که در حالت کلی هرچه میزان هوش فرهنگی جوانان و شناخت و اطلاعات آنان درباره فرهنگ‌های دیگر قومیت‌ها بیشتر باشد و به‌طور خاص آنان با خرده‌نظام‌های اقتصادی و حقوقی، هنرها و صنایع دستی، و رفتارهای کلامی و غیرکلامی (لهجه، تن صدا، زبان بدن و ...) یکدیگر آشنا باشند و قابلیت تطابق و تغییر تفکرات و رفتارها را در تعاملات بینا فرهنگی داشته باشند، درک بهتری از یکدیگر دارند و در نتیجه عملکرد مفید و مؤثری در چنین اوضاعی خواهند داشت.

میان جنسیت و میزان هوش فرهنگی دانشجویان تفاوت معناداری مشاهده نشده است. این نتایج در زیر قابل مشاهده است:

مطابق نتایج میانگین قوم‌گرایی دانشجویان بر حسب جنسیت آنان تفاوت معناداری با هم وجود دارد. پسرها گرایش‌های قومی بیشتری از دختران دارند. اما،

جدول ۶- نتایج آزمون تفاوت میانگین متغیرها بر حسب متغیر جنسیت

متغیرها	آزمون t	Sig
جنس و میزان قوم‌گرایی	-۲/۹۴۹	۰/۰۰۳
جنس و میزان هوش فرهنگی	۰/۵۷۴	۰/۵۶

در جدول رگرسیون، ضریب بتا اهمیت نسبی متغیرها را بیان می‌کند و بزرگ‌بودن بتا اهمیت و نقش آن را در پیش‌گویی متغیر وابسته مشخص می‌کند.

جدول زیر نتایج اصلی رگرسیون را ارائه می‌دهد. برای این‌که شدت میزان تأثیر متغیرهای مستقل ابعاد هوش فرهنگی بر متغیر وابسته میزان قوم‌گرایی سنجیده شود، از این نتایج استفاده شده است.

جدول ۷- میزان قوم‌گرایی (ضریب همبستگی چندگانه) به وسیله متغیرهای مستقل ابعاد هوش فرهنگی

الگو	متغیرها	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین چندگانه (R ²)	سطح معناداری (R ²) تعدیل شده
۱	هوش فرهنگی رفتاری	۰/۴۱۴	۰/۱۷۲	۰/۱۶۹
۲	هوش فرهنگی رفتاری هوش فرهنگی شناختی هوش فرهنگی رفتاری	۰/۵۲۶	۰/۲۷۷	۰/۲۷۳
۳	هوش فرهنگی شناختی هوش فرهنگی انگیزشی هوش فرهنگی رفتاری	۰/۵۶۷	۰/۳۲۱	۰/۳۱۶
۴	هوش فرهنگی شناختی هوش فرهنگی انگیزشی هوش فرهنگی فراشناختی	۰/۵۷۶	۰/۳۳۲	۰/۳۲۴

۰/۰۰۰ بوده است و این نشان می‌دهد که تأثیر چندگانه متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته معنادار است و همبستگی متوسطی و تقریباً قوی (۰/۵۷۶) بین هر ۴ متغیر مستقل و متغیر وابسته قوم‌گرایی وجود دارد.

نتایج تحلیل رگرسیونی متغیرهای مستقل ابعاد هوش فرهنگی (هوش فرهنگی شناختی، رفتاری، انگیزشی و فراشناختی) و متغیر وابسته میزان قوم‌گرایی در جدول بالا آمده است. همان‌گونه که در جدول بالا مشخص است، مجموع متغیرهای وارد شده در الگوی رگرسیونی الگوی (۴) با هم‌دیگر ۳۲/۴ درصد از واریانس و یا تغییرات میزان قوم‌گرایی دانشجویان را تبیین می‌کنند. مابقی واریانس آن ناشی از عوامل و متغیرهای دیگری است که در الگو نیامده‌اند. سطح معناداری در همه متغیرها برابر

جدول ۸- ضرایب الگوهای رگرسیون چندمتغیره برای میزان قوم‌گرایی برحسب متغیره

مدل	متغیرهای مستقل	ضرایب غیراستاندارد	ضرایب استاندارد شده	آزمون T	سطح معناداری
۱	عدد ثابت	۳۴/۰۱	-	۱۲/۹۳۹	۰/۰۰۰
	هوش فرهنگی رفتاری	۰/۷۹۷	-۰/۴۱۴	۸/۶۹۳	۰/۰۰۰
	عدد ثابت	۱۸/۷۵۴	-	۵/۸۰۳	۰/۰۰۰
۲	هوش فرهنگی رفتاری	۰/۶۷۷	۰/۳۵۲	۷/۷۴۵	۰/۰۰۰
	هوش فرهنگی شناختی	۰/۵۳۴	۰/۳۳۰	۷/۲۷۷	۰/۰۰۰
	عدد ثابت	۱۲/۲۶۶	-	۳/۶۰۳	۰/۰۰۰
۳	هوش فرهنگی رفتاری	۰/۵۷۴	۰/۲۹۸	۶/۵۷۵	۰/۰۰۰
	هوش فرهنگی شناختی	۰/۶۷۶	۰/۲۹۵	۶/۶۰۶	۰/۰۰۰
	هوش فرهنگی انگیزشی	۰/۴۳۹	۰/۲۲۲	۴/۸۸۶	۰/۰۰۰
۴	عدد ثابت	۱۰/۷۱۴	-	۳/۱۰۹	۰/۰۰
	هوش فرهنگی رفتاری	۰/۵۶۹	-۰/۲۹۶	-۶/۵۶۱	۰/۰۰۰
	هوش فرهنگی شناختی	۰/۴۴۶	-۰/۲۷۶	۶/۱۳۴	۰/۰۰۰
	هوش فرهنگی انگیزشی	۳۶۲	-۰/۱۸۴	۳/۸۱۶	۰/۰۰۰
	هوش فرهنگی فراشناختی	۰/۳۷۷	۰/۱۱۲	۲/۳۵۵	۰/۰۰۰

در جدول ۸، الگوهای رگرسیونی مختلف برای متغیر میزان قوم‌گرایی آمده است. در الگوی شماره یک، متغیر هوش فرهنگی رفتاری قابل مشاهده است که ضریب بتای آن ۰/۴۱۴ است، یعنی به ازای هر واحد انحراف استاندارد که به این متغیر افزوده گردد، مقدار ۰/۴۱۴ انحراف استاندارد قوم‌گرایی دچار تغییر می‌شود. در الگوی شماره ۲، متغیر هوش فرهنگی شناختی وارد شده است. با اضافه شدن این متغیر به الگو، ضریب بتای آن از ۰/۴۱۴ به ۰/۳۵۲ کاهش یافته است. در الگوی شماره ۳، متغیر هوش فرهنگی انگیزشی اضافه شده است و ضریب بتای آن برابر ۰/۲۲۲ است، بنابراین به ازای یک واحد انحراف استاندارد که به متغیر هوش فرهنگی انگیزشی افزوده گردد، مقدار ۰/۲۲ متغیر هوش فرهنگی انگیزشی افزوده می‌شود. واحد انحراف استاندارد به قوم‌گرایی آن‌ها اضافه می‌شود. در الگوی شماره ۴، آخرین مؤلفه، یعنی هوش فرهنگی فراشناختی وارد معادله رگرسیونی شده است که مقدار ضریب بتای آن برابر ۰/۱۱۲ است و با وارد شدن این متغیر مقادیر بتای متغیر قبلی (هوش فرهنگی انگیزشی) کاهش یافته است. متغیرهای وارد شده در الگوی رگرسیونی، بزرگ‌تر از ۲/۳۳ با توجه به این که در این پژوهش مقدار T

برای و در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنادار است، در نتیجه متغیرهای مورد نظر تأثیر معناداری بر تبیین متغیر وابسته داشته است. با توجه به جدول ۷ که مقدار ضریب همبستگی (R) بین متغیرها ۰/۵۷۶ است، بین مجموعه متغیرهای مستقل و متغیر وابسته همبستگی متوسطی وجود دارد. همچنین، مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۳۲۴ است که با توجه به این که این ضریب با درجات آزادی تعدیل شده است، به منظور انعکاس بیشتر میزان نکویی برازش الگو از آن استفاده می‌شود، بنابراین با توجه به این مقدار متغیرهای وارد شده توانسته، ۳۲/۴ درصد از تغییرات قوم‌گرایی را تبیین کنند، بر این اساس مابقی این تغییرات (۶۷/۶ درصد) تحت تأثیر متغیرهای خارج از الگو است. با توجه به مقدار آزمون تحلیل واریانس که ۴۴/۹۰۲ در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۱ معنادار است، می‌توان نتیجه گرفت که الگوی رگرسیونی پژوهش، مرکب از ۴ متغیر مستقل و یک متغیر وابسته (میزان قوم‌گرایی) الگوی خوبی است و این چهار متغیر هوش فرهنگی رفتاری، شناختی، انگیزشی و فراشناختی قادرند تا تغییرات میزان

قوم‌گرایی را تبیین کنند و نتایج به‌دست‌آمده قابل‌تعمیم به جامعه است.

بحث و نتیجه‌گیری

دانشگاه به‌مثابه یکی از نهادهای اجتماعی نوین سهم به‌سزایی در بسط افق ذهنی و بینشی دانشجویان متعلق به خرده‌فرهنگ‌های گوناگون و به‌تبع آن بسط میدان تعاملاتی دانشجویان دارد. سطح نازل روابط بینا فرهنگی میان دانشجویان متعلق به قومیت‌ها و خرده‌فرهنگ‌های قومی نشان از ضعف دانشگاه‌ها به‌ویژه دانشگاه‌های مستقر در مناطق قوم‌نشین در کاهش حساسیت‌های فرهنگی و همچنین تقویت دگرخواهی دارد. چنان‌چه براساس بیانیه جهانی آموزش عالی که در سال ۱۹۹۸ به تصویب رسیده، دانشگاه در فراهم کردن دو پیش‌شرط زندگی اجتماعی نقش اساسی دارد: ۱- دانایی و فناوری، تولید دانش فنی و کاربردی، نوآوری و روزآمد و کارآمد کردن علم و فن و هنر برای پاسخ‌گویی به نیازهای متنوع جانشین‌پذیر و پایان‌ناپذیر و ۲- تعهد اخلاقی برای مشارکت و همکاری اجتماعی در جهت تحقق جامعه قانونمند مدنی و دفاع از ارزش‌های والای زندگی، مانند گفت‌وگو، هم‌فهمی، دیگرپذیری، انسان‌دوستی و عدالت‌خواهی (قادرزاده و شفیع‌نی، ۱۳۹۱). بنابراین، پیرو پیشرفت‌های فناورانه و افزایش ارتباطات بین فرهنگ‌ها و خرده‌فرهنگ‌های متفاوت و لزوم آگاهی اقلیت‌ها از ویژگی‌های فرهنگ‌های گوناگون و شناسایی تمایزات خود با دیگر گروه‌ها و همچنین به‌منظور کارآیی هرچه بهتر و مؤثرتر در زمینه‌های متفاوت فرهنگی، کسب برخی مهارت‌ها و قابلیت‌ها ضروری است. به‌عبارتی دیگر، ارتباطات بینا فرهنگی کارآمدتر، نیازمند آگاهی، هوشیاری و سازگاری بالاتری است. در دهه‌های اخیر هوش فرهنگی در حکم یکی از مهارت‌های لازم برای سازگاری با موقعیت‌های جدید و عملکرد راحت‌تر و مؤثرتر در موقعیت‌های محیطی جدید، به‌ویژه در کشورهای چندقومیتی، مطرح شده است. مطالعه قوم‌گرایی بین دانشجویان در اجتماعی کارآمد هر نظام اجتماعی هستند و

نقش انکارناپذیری در پیشرفت و توسعه همه‌جانبه جامعه دارند. به این منظور، در این پژوهش به مطالعه و تحلیل جامعه‌شناختی مؤلفه‌های تأثیرگذار هوش فرهنگی (هوش فرهنگی رفتاری، شناختی، فراشناختی و انگیزشی) بر میزان قوم‌گرایی دانشجویان خوابگاهی دانشگاه ملایر پرداختیم.

از نظر توصیف متغیرهای اصلی پژوهش باید اذعان داشت که میانگین متغیر مستقل هوش فرهنگی برابر با ۷۳/۴۳ به‌دست آمده است که برای دانشجویان ساکن در خوابگاه‌های شهر ملایر به‌معنای برخورداری آن‌ها از هوش فرهنگی در سطحی بالاتر از حد متوسط است؛ این یافته‌ها با نتایج پژوهش یوسف‌زاده (۱۴۰۰) مطابقت دارد. همچنین، میانگین متغیر وابسته قوم‌گرایی برابر با ۵۶/۴۹ برآورد شد که به‌معنای میزان قوم‌گرایی آن‌ها در سطحی پایین‌تر از حد متوسط است.

در بررسی رابطه بین میزان هوش فرهنگی با متغیر وابسته میزان قوم‌گرایی طبق یافته‌هایی که به‌دست‌آمده می‌توان اظهار داشت که بین این دو متغیر با شدت رابطه متوسط به بالا (۰/۵۰-)، وجود یک هم‌بستگی منفی و معکوس تأیید شده است. این نتیجه، با نتایج پژوهش‌های علی‌دینی و همکاران (۱۳۹۵)، میل‌اسی و شاهنوشی (۱۳۹۹)، بهشتی و همکاران (۱۳۹۸) و مظهر و جاویداقبال (۲۰۲۲) مبنی بر رابطه معنادار متغیر هوش فرهنگی با میزان قوم‌گرایی هم‌خوانی دارد. همچنین، بین مؤلفه‌های هوش فرهنگی، شناختی (۰/۲۹-)، فراشناختی (۰/۱۹-)، انگیزشی (۰/۳۶-) و رفتاری (۰/۴۱-) و میزان قوم‌گرایی دانشجویان هم‌بستگی معناداری با شدت متفاوت وجود دارد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های علی‌دینی و همکاران (۱۳۹۵)، افشار (۱۳۹۳)، احمدی و قاسمی (۱۳۹۱) و گاماندستویر (۲۰۱۵) هم‌سو است؛ بیشترین ضریب همبستگی، بین بعد رفتاری و انگیزشی هوش فرهنگی و قوم‌گرایی به‌میزان (۰/۴۱) ارزیابی شد.

درخصوص بعد انگیزشی می‌توان اذعان داشت که بعد انگیزشی و روانی نشان‌دهنده علاقه و اصرار افراد برای تعامل مؤثر در فرهنگ جدید است که طی آن افراد به

فرشناختی با ضریب بتای ۰/۱۱ کم‌ترین تأثیر را در قوم‌گرایی دانشجویان گروه نمونه داشته‌اند.

به‌طور کلی، پژوهش حاضر نشان می‌دهد که هوش فرهنگی و ابعاد آن می‌تواند به‌عنوان یک پیش‌بینی‌کننده برای عمل‌کرد فرد در یک موقعیت میان‌فرهنگی در نظر گرفته شود. هوش فرهنگی به افراد اجازه می‌دهد تا شیوه تفکر دیگران را تشخیص دهند و الگوهای رفتاری متفاوت و واکنش‌های گوناگون آن‌ها نسبت به محیط را شناسایی کنند و بر این اساس، بتوانند موانع ارتباطی بین‌فرهنگی را کاهش دهند. بر این اساس، پیشنهاد می‌شود که برای بهبود روابط و هم‌زیستی مسالمت‌آمیز دانشجویان در خوابگاه‌ها و همچنین بسترسازی مناسب برای برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و کاهش منازعات قومی، فکری، عقیدتی و رفتاری، هوش فرهنگی مورد توجه مسئولین قرار بگیرد و نسبت به افزایش آن اقدامات بیشتری به‌کار گرفته شود.

تقدیر و تشکر

از تمامی دانشجویان دانشگاه ملایر سپاسگزاریم که در این پژوهش با نگارندگان همکاری لازم را داشتند.

منابع

۱. احمدی، یعقوب؛ قاسمی، وحید (۱۳۹۱)، اثر همدلی فرهنگی، ابتکار اجتماعی و قوم‌گرایی بر هوش فرهنگی، راهبرد فرهنگ، ۵(۲۰): ۱۲۹-۱۵۴.

https://www.jsfc.ir/article_43843.html

۲. افشار، سیمین (۱۳۹۳)، تحلیل جامعه‌شناختی رابطه

سرمایه اجتماعی با هوش فرهنگی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز، مجله مطالعات جامعه‌شناسی، ۷(۵):

۳۹-۵۷.

https://jss.tabriz.iau.ir/article_524061.html

قابلیت‌های خود در تعامل با فرهنگ‌های متفاوت اطمینان دارند. با توجه به این‌که بین میزان هوش فرهنگی شناختی و فرشناختی پاسخ‌گویان با میزان قوم‌گرایی آنان رابطه‌ای معنادار وجود دارد و این رابطه باید درباره بعد روانی هوش فرهنگی انگیزشی به‌مثابه محرک و انگیزه‌ای در اقدام برای شناخت دیگر اقوام نیز تکرار می‌شد، در پژوهش حاضر نیز این اتفاق رخ داد. درمورد بعد رفتاری نیز با توجه به دیدگاه هال^۱ که معتقد است، توانایی‌های ذهنی برای درک فرهنگی و انگیزش باید با توانایی رفتار کلامی و غیرکلامی متناسب باشد (کلمات، تن صدا، حالت‌های صورت و حرکات بدن)، براساس ارزش‌های فرهنگی در موقعیت‌های خاص تکمیل می‌شوند (عابدینی، ۱۳۹۵)؛ یافته‌های این پژوهش نیز در این خصوص تأیید شده است. به این نحو که هرچه میزان شناخت و آگاهی دانشجویان از قومیت‌های مختلف از فرهنگ دیگر قومیت‌ها و نظام ارزش‌ها، باورها، اعتقادات مادی و معنوی، هنرها و اصول رفتار کلامی و غیر کلامی آنان (هوش فرهنگی شناختی) بیشتر باشد و آن‌ها دانش فرهنگی مناسبی داشته و توان به‌کارگیری، مطابقت و کنترل چنین دانشی را در تعاملات فرهنگی داشته باشند، یقیناً عمل‌کرد بهتری در چنین اوضاعی خواهند داشت. متغیرهای میزان هوش فرهنگی و میزان قوم‌گرایی برحسب جنسیت نیز مورد بررسی قرار گرفته‌اند. نتایج حاکی از آن بود که میانگین قوم‌گرایی دانشجویان برحسب جنسیت آنان تفاوت معناداری با هم دارد؛ پسران گرایش‌های قومی بیشتری از دختران دارند. اما، میان جنسیت و میزان هوش فرهنگی دانشجویان تفاوت معناداری مشاهده نشد.

مقادیر بتا (ضرایب رگرسیونی استاندارد) برای ۴ متغیر مستقل هوش فرهنگی رفتاری، شناختی، انگیزشی و فرشناختی و همچنین متغیر وابسته قوم‌گرایی به‌ترتیب برابر با ۰/۲۹، ۰/۲۷، ۰/۱۸، ۰/۱۱ است که بالاترین مقدار برای هوش فرهنگی رفتاری ارزیابی شده است و هوش فرهنگی

۱۱. اقوام ترک و کرد در شهر قروه، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، بهار و تابستان، ۹(۱): ۱۲۱-۱۵۶.
https://social.um.ac.ir/article_38985.html
۱۲. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴)، چشم انداز های جهانی، ترجمه محمد رضا جلایی پور، تهران، چاپ چهارم، نشر طرح نو.
۱۳. یوسف زاده، محمد رضا (۱۴۰۰)، سنجش میزان هوش فرهنگی اعضای هیأت علمی دانشگاه علوم انتظامی، مجله مطالعات فرهنگی پلیس، ۸(۳): ۱۳-۲۰.
http://hamedan.jrl.police.ir/article_97394_7de55a92f6edf722e69b4ab0606974fd.pdf
۱۴. یوسفی، علی؛ اصغرپور ماسوله، احمد رضا (۱۳۸۸)، قوم مداری و اثر آن بر روابط قومی در ایران، دانشنامه علوم اجتماعی، ۱(۱): ۱۲۵-۱۴۴.
<https://profdoc.um.ac.ir/articles/a/1021145.pdf>
15. Ang, S., Dyne, L., Koh, C., Ng, K., Templer, K., Tay, C., et al. (2006). Cultural Intelligence: Its measurement and effects on cultural judgment and decision making, cultural adaptation, and task performance. *Management and Organization Review*.
<https://doi.org/10.1177/1059601105275267>
16. Chu, Kequn & Zhu, Fengshu. (2023). Impact of cultural intelligence on the cross-cultural adaptation of international students in China: The mediating effect of psychological resilience, *frontiers in Educational Psychology*, vol: 14, pp: 1-6.
<https://www.frontiersin.org/articles/10.3389/fpsyg.2023.1077424/full>
17. Guðmundsdóttir, Svala. (2015). Nordic expatriates in the US: The relationship between cultural intelligence and adjustment, *International Journal of Intercultural Relations*, 47, pp: 175-186.
<https://www.sciencedirect.com/science/article/abs/pii/S014717671500070X>
18. Mazhar, Fatima & Iqbal, Syed Muhammad Javed. (2022). Ethnocentrism, Cultural Intelligence, and Conflict Management Styles: A Comparative Cross-Cultural Outlook of China and Pakistan, *Competitive Social Science Research Journal*, vol: 3, N: 2, pp: 267-299.
<https://cssrjournal.com/index.php/cssrjournal/article/view/291>
۳. بهشتی، سید صمد؛ علیزاده آرند، مصطفی؛ کنعانی، زهرا (۱۳۹۸)، تبیین جامعه شناختی رابطه هوش فرهنگی و مدارای اجتماعی بین شهروندان شهر یاسوج، پژوهش های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۸(۲۵): ۸۷-۱۰۶.
https://ssoss.ui.ac.ir/article_24376.html
۴. صادقی، رسول؛ عباس شوازی، محمد جلال؛ فراش، نورالدین (۱۳۹۷)، قومیت، قوم گرایی و باروری، بررسی تأثیر ابعاد و سطوح قوم گرایی بر ترجیحات و رفتار های باروری زنان کرد و ترک در شهر ماکو، مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۱۲(۳): ۸۰-۱۰۱.
http://www.jss-isa.ir/article_34724_78261f8465df788c1ca7f345a95bd4ca.pdf
۵. رنجی جفرودی، نیما؛ گور میرزا، یاسر (۱۴۰۱)، تأثیر هوش فرهنگی بر ارتباطات سازمانی کارکنان با تأکید بر نقش میانجی نیاز های روان شناختی، فصلنامه مطالعات فرهنگی پلیس، ۹(۳): ۵۹-۶۹.
http://hamedan.jrl.police.ir/article_99537_c61cbfa8655e0e8464d5dbfbff0de27d.pdf
۶. عابدینی، رابویه؛ علیزاده اقدم، محمد باقر؛ عباس زاده، محمد (۱۳۹۵)، مطالعه جامعه شناختی رابطه هوش فرهنگی و قوم گرایی در بین جوانان شهر تبریز، مجله جامعه پژوهی فرهنگی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۷(۳): ۶۱-۸۵.
https://socialstudy.ihcs.ac.ir/article_2344.html
۷. فتاحی میلانی، علی؛ شاهنوشی، مجتبی (۱۳۹۹)، بررسی عوامل مؤثر بر بروز قومیت گرایی و اثرات آن در نظام اداری، فصلنامه توسعه مدیریت و منابع انسانی و پشتیبانی، ۱۵(۵۶): ۷۱-۱۰۱.
http://harold.jrl.police.ir/article_94052_3cfe1bb6bd98ecc89b83f367ceff0199.pdf
۸. قادر زاده، امید؛ شفیع نیما، عباس (۱۳۹۱)، تأثیر ساختار اجتماعی آموزش بر قوم گرایی دانشجویان
۹. علوم اجتماعی، فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، ۱۹(۵۹): ۱۷۴-۲۱۴.
https://qjss.atu.ac.ir/article_6885_898cb996ed9005b8d2b4fbd99f7e7c6e.pdf
۱۰. قادر زاده، امید؛ عبدالله زاده، خالد (۱۳۹۱)، حساسیت بین فرهنگی در اجتماعات قومی در ایران، مورد مطالعه

19. Neuliep, J. W. and J. C. McCroskey (1997). 'Development of a US and Generalized Ethnocentrism Scale', Communication Research Reports, Vol. 14
<https://doi.org/10.1080/08824099709388682>
20. Lawshe, C. H. (1975). A quantitative approach to content validity. Personnel psychology, 28(4), 563-575.
<https://doi.org/10.1111/j.1744-6570.1975.tb01393.x>
21. Lopes-Murphy, S. A. (2013). Evaluating the Impact of Two Globalization Projects on College Students' Cultural Competence and Cultural Intelligence (CQ). Journal of Effective Teaching, 13(1), 5-18.
<https://eric.ed.gov/?id=EJ1092148>
22. Van Doorn, M. (2014) "The Nature of Tolerance and the Social Circumstances in which it Emerges." Current Sociology Review, 62 (6): 905-927
<https://doi.org/10.1177/0011392114537281>
23. Soldatovaa, Galina and Marina Geera (2013). 'Glocal Identity, Cultural Intlligence and Language Fluency', Procedia-Social and Behavioral Sciences, No. 86.
<https://www.sciencedirect.com/science/article/pii/S1877042813027304>
24. Sukrasno, S., & Elmi, F. (2021). The effect of compensation, organizational communication, and job satisfaction on employee performance (case study on civil servants of the downstream oil and gas regulatory agency). Dinasti international journal of management science, 2(6), 943-959.
<https://doi.org/10.31933/dijms.v2i6.961>
25. Wawrosz, P., & Jurásek, M. (2021). Developing Intercultural Efficiency: The Relationship between Cultural Intelligence and Self-Efficacy. Social Sciences, 10(8), 312
<https://doi.org/10.3390/socsci10080312>

